

■ امام کیه؛ چی میشه اگه ما واسه کارامون پیش متخصص نریم؟



■ امام کیه؛ چی میشه اگه ما واسه کارامون پیش متخصص نریم؟
میدونین امام کیه و اصلاً چرا ما متخصص لازم داریم؟ حاضرین
هر چیزی رو واسه درست کردن دست هر کسی بدین؟
اصلاً به هر کی که گفت من می‌تونم فلان چیز رو برات درست کنم، اعتماد می‌کنین؟
فکر کنین دوچرخه کوهستانتون که کلی هم پولش و داده بودین،
یه مشکلی پیدا کرده و دنده‌اش خوب جا نمی‌افته؛ بعد مامانتون با اصرار میگه
بریم به میوه فروش محل نشونش بدیم، شاید ازش سر درآورد!
یا کنسول بازی PS5 که با هزار زور و زحمت خریدنش قاطی کرده و
بازی رو لود نمی‌کنه، بعد باباتون رو می‌بینین که با یه پیچ‌گوشتی می‌خواد بره
سراغش و ادعای می‌کنه که بلده درستش کنه!

■ یا برادرتون تو فوتبال زمین خورده و پاش مثل یه بادکنک ورم کرده و سیاه و کبود شده، بعد همسایه‌تون با اصرار میگه به جای دکتر ببریمش پیش یکی از فامیل‌هامون که بلده اون رو جا بندازه! تو هر کدوم از این وضعیت‌ها چه احساسی بهتون دست می‌ده؟ حاضرین چیز باارزشی که دارین رو دست یه غیرمتخصص بدین و راحت شاهد از بین رفتنش باشین؟

هولوویبایی

■ تخصص؛ آره یا نه؟



QR کد را اسکن کنید.



■ واسه چی متخصص؟

می‌دونین ما هر چقدرم که واسه رفتن پیش متخصص مقاومت کنیم، وقتی پای چیزهای باارزش و پیچیده و حساس وسط میاد، حتماً پیش متخصصش میریم.

یعنی عقلمون غیر از این رو قبـول نمی‌کنه! مثلاً هیچ وقت سیم‌کشی و برق‌کاری خونمون رو به یه قصاب نمی‌سپاریم؛ یا وقتی کاربراتور ماشینمون خراب شده، دست یه جراح مغز و اعصاب نمی‌دیم که تعمیرش کنه؛ یا وقتی یکی از رگ‌های قلبمون گرفته و نیاز به آنژیو داره، حتی اگه پدر علم فیزیک هم بیاد، نمی‌تونیم بهش اعتماد کنیم و عمل قلبمون رو بهش بسپاریم؛ چون اصلاً تخصصی تو این زمینه نداره! یعنی اگه یه نفر پیدا بشه که بخواد این کار رو بکنه حتماً به عقلش شک می‌کنیم. چون کارش واسمون اصلاً با عقل و منطق جور درنمیاد.

■ تازه ما بین متخصص‌ها هم همیشه دنبال بهترینشون می‌گردیم؛ چون می‌دونیم کارشون رو بهتر بلدن و زودتر و بهتر ما رو به نتیجه می‌رسونن. واسه همینم تا یه چیز نو می‌خریم و می‌خوایم راه بندازیمش فوری سراغ دفترچه‌اش میریم تا ببینیم کارخونه‌ی سازندش واسمون چه نسخه‌ای پیچیده. چون هر چی باشه این کارخونه است که اون رو درست کرده و همه‌ی پیچ‌وخم‌ها و بالاپایین‌های دستگاه ما رو میدونه. میدونه ضعف‌ها و قوت‌هاش کجا هستن و چه جوری باید ازش مراقبت کرد.

■ اصلاً می‌دونین چیه؛ یه عقل سالم حکم می‌کنه که ما توی چهارتا مرحله‌ی تعریف کردن یه سیستم و وسیله، راه‌اندازیش، استفاده کردن ازش و اصلاح و تعمیرش بعد از خرابی،

اول پیش سازندش بریم. اگر هم به سازندش دسترسی نداشتیم، پیش کسی بریم که مورد اعتماد و تأیید سازنده باشه؛ مثلاً نمایندگی مجازش!

دوستام

اگه بخوایم یکم قلمبه سلمبه حرف بزنیم، به این چیزی که الان گفتیم میگن اصل اصالت تخصص، که ساده‌اش میشه اینکه تو هر کاری به متخصص خودش مراجعه کنیم.

والا وضعمون میشه وضع امید که!

هیچکی رو غیر از خودش نمیتونست سرزنش کنه!



QR کد را اسکن کنید.



تخصصی خوان غیر از ما؟

حالا با همه‌ی این چیزهایی که تو این چند وقت راجع به خودمون یاد گرفتیم، به نظر شما ما به عنوان یه آدم، یه موجود ساده‌ایم یا پیچیده؟ یعنی واسه‌ی فهمیدن اینکه کی هستیم و بخش‌های مختلف وجودمون چه جوری کار می‌کنن، متخصص لازم داریم یا نه؟

جالبه که ما واسه‌ی راه‌اندازی ماشین لباسشویی و یخچال و پرینترمون میریم سراغ سازندش! اما هر وقت نوبت به خودمون می‌رسه که پیچیده‌ترین و باارزش‌ترین و حساس‌ترین موجود این عالمیم، فکر می‌کنیم همه چیز رو بلدیم و هیچ نیازی به رفتن پیش سازندمون یا نماینده‌های مورد اعتمادش نمی‌بینیم؟ اصلاً نمی‌دونیم امام کیه و چرا خدا همچین متخصص معصومی رو واسمون قرار داده؟

■ به‌جورایی فکر می‌کنیم خودمون بهتر از سازندمون که ما رو خلق کرده و از همه‌ی پیچ و خم‌های وجودمون خبر داره، خودمون رو می‌شناسیم و خیر و صلاحمون رو می‌دونیم؛ در صورتیکه یه سری چیزها هست که ما اصلاً با عقل محدودمون نمی‌تونیم ازش سردر بیاریم. مثلاً هر چقدرم کنج‌کاو باشیم و بشینیم فکر کنیم، تنهایی عقلمون به این نمی‌رسه که از کجا اومدیم، قراره کجا بریم، یا اونجایی که می‌خوایم بریم چیا لازم داره؟ یا اینکه ما دقیقاً کی هستیم و چه شکلی باید این مسیر رو بریم؟

■ تخصص وجود ما کیه؟

■ واضحه که عقل ما به خیلی از چیزها نمی‌رسه یا اصلاً خیلی از چیزها هست که فقط خود خدا که همه چیز رو آفریده، ازشون خبر داره؛ پس ما واسه سالم رسیدن به هدف و سر درآوردن از قسمت‌های مختلف وجودمون حتماً لازم داریم که پیش سازندمون بریم، اما خب دقیقاً چه‌جوری این کار رو انجام بدیم؟ ما که نمی‌تونیم بریم پیش خدا و خیلی مؤدبانه سؤال‌هامون رو ازش بپرسیم! اما خب خدا از اونجا که هم خیلی مهربونه و هم حساب همه چیز رو از قبل کرده، نماینده‌هاش رو واسمون فرستاده تا قشنگ راه و چاه رو نشونمون بدن! همون کسانی که ما به عنوان پیامبر و امام می‌شناسیمشون.

این جوری تازه داریم می‌فهمیم که امام کیه و جواب این سوال رو اینجا توی ویدئوی کهکشانش درون کامل توضیح دادیم:

کهکشانش
درون

QR کد را اسکن کنید.



فرق پیغمبر و امام با بقیه متخصص‌ها

پیغمبر و امام متخصص‌هایی هستن که یه فرق خیلی بزرگ با بقیه متخصص‌ها دارن. اونم اینه که مثل بقیه اشتباه نمی‌کنن! آخه اگه قرار بود اشتباه کنن به قیمت عمر و زندگی ابدی ما تموم میشد. می‌دونین عقل حکم می‌کنه که تو هرکاری پیش متخصصش بریم، اما ضرر نرفتن پیش متخصص واسه ی همه ی کارها یه اندازه نیست. یه وقت به قیمت از دست دادن یه گوشی موبایل یا دوچرخه‌مون تموم میشه، یه وقت به قیمت از دست دادن جونمون، یه وقتی هم به قیمت نابودی کل زندگی و ابدیتمون تموم میشه.

■ که باید بگیم ضررِ نرفتن پیش خدایی که ما رو آفریده و نماینده‌هاش
یه چیزی مساوی با نابودی کل زندگی و ابدیتمون میشه؛ چون اگه
خودمون رو درست نشناسیم و ندونیم که از زندگی چی می‌خوایم،
یا اصلاً مسیرمون رو باید چه‌جوری بریم، بایه سری انتخاب‌ها و
تصمیم‌های غلط، نه دنیا واسه‌ی خودمون باقی میذاریم و نه زندگی ابدی تو آخرت!

البته ضررِ اشتباه گرفتن متخصص هم دست کمی از نرفتن پیش متخصص نداره.
یعنی تو کمترین حالتش یا به ما خسارت میزنه یا کلاً باعث نابودی سیستم و
وسایله‌مون میشه؛ اما وقتی صحبت از خودمون میشه، از این خیلی فراتر میره و
حتی میتونه تا از بین بردن کل ابدیت ما هم پیش بره.
واسه همین هم نماینده‌های خدا و متخصص‌های الهی حتماً باید معصوم و
بدون اشتباه باشن؛ چون با خود ما و زندگی ابدیمون سر و کار دارن. پس وقتی
پای خود واقعی‌مون وسط میاد، تازه می‌فهمیم امام کیه و چرا ما بهش
نیاز داریم. یعنی ما نه تنها متخصص لازم داریم، که یه متخصص بی‌اشتباه و
بی‌عیب و نقص می‌خوایم که یه وقت با اشتباهاتش ما رو نابود نکنه.

میدونی یه سوال مهم هست که خدا از همه‌ی ما می‌پرسه؛
فکر میکنی اون سوال چیه؟! چراغ رو گوش کن و جوابش رو برامون بنویس.



Qr کد را اسکن کنید.